دانستنیهای علمی
درباره
ریش و ریش تراشی

میرزا مهدی آقابابایی


قائمیه اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www.Ghaemiyeh.com

دانستنيهاي علمي درباره‌ي ريش و ريش تراشي

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه اي قائمیه اصفهان،1391
عنوان و نام پدیدآور:دانستنیهاي علمي دربارهي ریش و ریش تراشي/ مهدي آقابابایي.
مشخصات نشر دیجیتالي:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه اي قائمیه اصفهان، ۱۳91.
مشخصات ظاهري:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: امام حسین (ع) - عزاداري

ثواب و هديه به محضر:

ثواب اين جزوه را هديه مي‌كنم به محضر حضرت بقيه الله الاعظم امام زمان حضرت حجت بن الحسن المهدي صاحب الزمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و به مادر شهيدشان، ام الائمه، مادر سادات، دخت نبي اكرم صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، شفيعه‌ي روز محشر، ملكه‌ي اسلام، صديقه‌ي شهيده حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهاالسَّلَام.

مقدمه

خداوند تبارك و تعالي را شاكرم كه با عنايات خاصه امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف به اين بندهي حقير توفيق دادند كه بتوانم جزوهاي در باب ريش تراشي و ريش گذاشتن بنويسم كه تمام مباحث آن، از قرآن، روايات، روان شناسي، پزشكي و فتاوي مراجع تقليد اين مبحث را به طور كامل نوشتم كه اتمام حجتي باشد براي كساني كه مي‌گويند ما روايت و آيهاي از قرآن درباره‌ي ريش تراشي و گذاشتن آن نداريم و كساني كه مي‌گويند هر كس ريش بگذارد امل و عقب افتاده است قلب و دل انسان بايد پاك باشد و اينها و كساني كه شبهه وارد مي‌كنند غافل از مضرات ريش تراشي هستند و منافع و فوائد ريش گذاشتن، زيرا كه گذاشتن ريش از سنت اهل بيت و بزرگان است و تراشيدن آن كار مخالفان اسلام مانند يهود، بابيت و مجوسيها هستند. ما در اين جزوه به ياري مولايمان امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف آيات و روايات را آورده‌ايم تا كساني كه اطلاع ندارند اطلاع پيدا كنند و به گوش ديگران هم برسانند و اما ابتدا درباره‌ي تاريخچهي ريش و ريش تراشي به ميدان آمدهام و بعد سخنان بزرگان و دانشمندان و پزشكان در اين زمينه و بعد سراغ آيات و روايات رفتهام و بعد ميان اينها فصلي انتخاب كردهام و نام نهادهام به نام شارب (سبيل) و فصل ديگري به نام جويدن مو كه چه امراضي به بار مي‌آورد و در فصل آخر كتاب فتاوي علماي بزرگ و مراجع تقليد. اگر كسي بگويد ما كاري با مراجع و علماء نداريم و نعوذ بالله بگويد:
حرفهاي آنان قديميست ما در جواب مي‌گوييم كه: امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف فرموده‌اند:
«در حوادثي كه اتفاق ميافتد به كساني مراجعه كنيد كه احاديث ما اهل بيت را روايت مي‌كنند، آنها حجت من بر شما بوده و من حجت خدا بر آنها هستم.» (1) و منظور امام زمان مراجع و علماء هستند.
اينان مرزبانان و پرچمداران دين و شريعت هستند.
انشاء الله خداوند منان اين ناچيز و كمترين را از اين بندهي حقير قبول بفرمايد.
چكيده
در اين كتاب سعي بر اين شده است كه اثبات نمايد حرام بودن ريش تراشي را و گذاشتن ريش را و فوايد و محاسن ريش گذاشتن را از منابع چهار گانه يا ادله‌ي اربعه: كتاب، سنت، عقل و اجماع و در اين كتاب از سخنان دانشمندان بزرگ پيرامون اين موضوع هم بحث به ميان آمده

است.
حوزه علميه اصفهان - ميرزا مهدي آقابابايي

فصل اول تاريخچهي ريش گذاشتن

اشاره

وقتي تاريخ ريش گذاشتن بررسي مي‌شود، يك نوع افراط و تفريط در آن بوده به طوري كه عده ا ي ريش خود را آنقدر بلند مي‌كردند كه به زمين كشيده مي‌شده و افرادي را اسير جمع آوري آن از زير دست و پا مي‌كردند.
در مقابل برخي ريش خود را از ته مي‌زدند، اسلام كه روشش بر اساس استدلال و منطق است، اين دو طريق را مطرود اعلام كرد و راه اعتدال و ميانه روي را بر اساس آيه 143 سوره بقره كه مي‌فرمايد:
«و كذلك جعلناكم امه وسطا» و روايات متعدد برگزيد و اكنون به نمونه‌هايي از آن در تاريخ توجه فرمائيد.

الف: ريش در شريعت حضرت موسي عَلَيْهِ السَّلَام

عبرانيان از زمان‌هاي بسيار قديم ريش مي‌گذاشتند و بر طبق شريعت حضرت موسي عَلَيْهِ السَّلَام مجاز به تراشيدن ريش نبودند و كندن ريش نزد آنان علامت تحقير و بي‌احترامي بود.
حضرت موسي عَلَيْهِ السَّلَام با مرداني از بني‌اسرائيل به كوه طور رفت و دستور فرمود كه: بعد از دعاي من آمين بگوييد. از جمله دعاهاي حضرت نفرين بر كساني بود كه ريش خود را ميتراشيدند. (2)

ب: سلاطين و علماء

سلاطيني از بابل، آشور، ايران و يونان قديم ريش خود را فر مي‌دادند و در مجسمه‌هاي داريوش بزرگ و حكمايي مانند افلاطون، ارسطو و سقراط اين موضوع مشهود است.
برخي فراعنه مصر سنگ‌هاي قيمتي و مرواريد به ريش خود مي‌آويختند و آن سنگ‌ها را مانند خنجر، نوك تيز مي‌كردند و گاهي با آن سنگ‌ها ريش‌ها را اصلاح مي‌كردند.
معروف است كه ريش «سلطان سنجر» آنقدر طول و عرض داشت كه زمان شكار و تيراندازي غلامان مي‌دويدند و ريش شاه را كه به زمين مي‌رسيد با پارچه اي بسته و به پشتش گره مي‌زدند.
ريش «فتحعلي قاجار و درباريانش» آنقدر بزرگ بود كه در زمان تيراندازي آن را مي‌بستند.
زماني ريش‌ها را به شكل خاصي مانند توپي، دم كبوتري، مربع و مستطيل حالت و شكل مي‌دادند.
«عباد» برادر «عبيدالله بن زياد» ريش طويلي داشته و «ضياء الدين قزويني» استاد «سعدالدين تفتازاني» ريشش آنقدر طولاني بود كه به كفش‌هايش مي‌رسيد و در خواب آن را كيسه مي‌كرد و چون بر مركب سوار مي‌شد، باد آن را متفرق مي‌نمود و مردم را متوجه خود مي‌ساخت.
مردم يونان و روم قديم همه ريش داشتند، اما كم كم در ايام شادي ريش تراشي معمول گرديد. اما در نزد ايرانيان ريش مرسوم بوده است.

ج: كساني كه دستور تراشيدن ريش داده‌اند

اولين كسي كه فرمان ريش تراشي دسته جمعي صادر كرد «اسكندر مقدوني» بود و دومين نفر كه اين دستور را داد «فيليپ هفتم» در اسپانيا و سومين نفر» پطر كبير» در روسيه بود و او چنان سخت گرفت كه كساني را كه داراي ريش بودند جريمه مي‌كرد و چهارمين نفر «شاه عباس صفوي» در ايران بود.

د؛ احترام ريش نزد درويشان

قلندران و درويشان در عراق موي سر و ابرو را مي‌تراشيدند و در ايران تاري از موي ريش و سبيل را به عنوان ارادت و دوستي و مردي و يا براي شرط نذر براي يكديگر ارسال مي‌كردند و يا گرو مي‌گذاشتند.
در يك دوره طولاني اگر ريش كسي را مي‌كندند آنقدر توهين آميز بود كه مرگ را بر آن ترجيح مي‌داد و ريش داشتن را مورد احترام قرار مي‌دادند (ولي عصر خودمان را ببينيد كه هر كس ريش بگذارد به او لقب امّل و عقب افتادگي مي‌دهند) و چه بسا بعضي دولت‌ها ريش انسانهاي مجرم را مي‌تراشيدند و تبعيدش مي‌كردند و يا پياده و سواره در شهر در معرض تماشاي عموم قرار مي‌دادند. (3)

و: داشتن ريش سيره انبياء و دانشمندان اروپايي

سيره انبياء و ائمه اطهار و اديان الهي و علماء گذاشتن ريش بود و از تراشيدن آن نفرت داشتند و در بين دانشمندان جهان از جمله اروپا و سلاطين بسياري از آنها به پيامبران در ريش گذاشتن اقتدا مي‌كردند از جمله دانشمندان اروپايي كه ريش داشته‌اند و عكسهايشان در كتابها و موزه‌ها موجود است عبارتند از:

1 - پاستور فرانسوي، ماريوني (مخترع ماشين چاپ)
2 - كوري پير (فيز يك و شيميدان فرانسوي كاشف راديوم)
3 - تارينه
(بزرگترين استاد معالجه امراض)
4 - يوكا من شامپيو نبر (نخستين كسي كه عمل فتق را انجام داد)
5 - دكتر پرفسور اميل (مكتشف سرم معالجه ديفتري)
6 - ليستر (جراح انگليسي)
7 - ژيرار (مخترع ماشينهاي بافت كتان)
8 - گرام (زنوپ) (الكتريسين بلژيكي و مخترع دينامهاي صنعتي برق). (4)

فصل دوم؛ ریش تراشي از نظر دانشمندان و پزشکان

1 - سخنان دكتر «ويكتور ژورژ»:

بعضي از مردم ريش داشتن را نمي‌پسندند و غافل هستند كه ريش داشتن بهتر و داراي منافعيست.
به درستي كه طبيب حاذق و مشهور ((ويكتور ژورژ)) عقيده‌اش اينست كه داشتن ريش فوائد بسيار بزرگي دارد و محقق است كه ريش داشتن دهان را محافظت مي‌نمايد از امراضي كه متوجه بدن و اطراف آن است و هم منع مي‌نمايد رطوبتهاي زائده‌اي را كه متوجه به جوانب دهان مي‌شود و نگاهداري مي‌كند و از استخوانهاي دندانها و غده‌هايي كه چشمه لعابهاي دهان است.
(يعني محافظت مي‌كند از لثه‌ها و يا غده‌هايي كه در لثه‌ها است). (5) در كتاب تراش ريش از نظر بهداشت ص 20 آمده است كه ايشان درباره‌ي فائده‌ي ريش مي‌گويد:
ريش موجب حفظ دندانها و غدد بزاقي خواهد شد.
(6)

2 - سخنان دكتر (يعقوب صروف) و (فارس نمر):

به تحقيق از براي موهاي ريش و سبيل فايده‌هايي بزرگ است:
اولاً: در منع از رسيدن ريزه‌هاي غبار به حلق از راه بيني و دهان.
ثانياً:
در منع از رسيدن هواي سرد به اطراف گلو و حلق و روايت شده كه نا خدايان و كشتيبانان فرنگ كه به سوي قطب شمال سفر نموده‌اند براي جستجوي از سيّاح مشهود (فرنگلين) پس در آن يخچالها و هواهاي سوز و زمينهاي سرد سير قطب خيلي سرماي سوزناك بر آنها شديد شد.
ولي هيچ يك مبتلا به مرضي نشدند بدين جهت كه موهاي سر و ريش مي‌پوشانيد سر و روي آنها را و دور مي‌كرد سوز سردي را از حلق و گلويشان. سپس چون برگشتند به سرزمين انگلستان كه نسبتًا به جايهاي قطب گرمسير و قشلاق مي‌باشد پس تمامي آنها ريشهاي انبوه خود را تراشيدند. فوري يك هفته نگذشته تمامي آنها مريض و بيمار شدند به سبب چائيدن استخوانهاي گلو و اعضاي حلق و دهان. (7)

3 - در مجله «المقتبس» دمشق آمده است كه:

در مجله‌ي المقتبس مطبوعه‌ي شهر دمشق اثبات نموده كه تيغهاي ريش تراشان ناقل امراض و باعث سرايت در دهاست به چهره و صورت مردان تندرست كه عادت به تراشيدن ريش نموده‌اند.
(8)
(منظور تراشيدن صورت با تيغ است نه ديگر اعضاي بدن.)

4 - ريش تراشي جماعتي در انگلستان:

جماعتي در انگلستان بر عليه و ضد عادت ريش تراشي انجمن نموده‌اند و سخت از كار كردن تيغي بر رخسار ريش تراشان جلوگيري مي‌نمايند و از جمله تعليمهاي اسلامي اين جماعت سعي و تلاش در اينست كه مردمان را وادار كنند به رها ساختن ريش و ترك تراشيدن آن؛ به اين جهت كه تيغهاي دلاكان مايه سرايت و تعدي امراض مسريه است به لب و دهان و چهره و گلوي ريش تراشان و به درستي كه اين انجمن ورقه‌اي را چاپ نموده و بر بزرگان انگليس و لوردهاي ايشان قسمت و پخش نموده و ايشان را به مساعدت خود خوانده كه رها بسازند ريشهاي خود را تا اين كه عموم ملت از آنها تقليد و پيروي بنمايند. در اين ورقه منشور دو صورت چاپ نموده بودند كه يكي تمثال مردي كه ريش خود را تراشيده و در او جميع زشتيها و بديها را نمايش داده و ديگري تمثال مردي كه ريش خود را رها ساخته و در او جميع زيباييها و خوبيها را جلوه و نمايش داده‌اند (9)

5 - به ريشهاي تمامي كاركنان راه‌هاي آهن تيغ كشيدند

در زماني ريشهاي تمامي كاركنان راه‌هاي آهن را در موسم زمستان تراشيدند، پس قسم بيشتر آنان مبتلا به درد دندان و اماس و اورام سختي شدند، در غده‌هايي كه چشمه‌هاي لعاب گلو و دهان است و نيز گفته كه: طبيب ديگري معالجه كرد كساني كه مبتلاي برشح يعني درد زكام شده بودند، همين كه ايشان را امر فرمود به رها كردن ريشهاي خود، آنها هم به امر او گوش نموده ريش گذاشتند (به صحت كامياب شدند). (10)

6 - شيوع ريش تراشي در كشورهاي غربي:

در سال 1911 ميلادي به علت شيوع ريش تراشي در كشورهاي غربي و كشف مضرّات آن عده‌اي از اطباء و دانشمندان اروپا براي مبارزه با ريش تراشي در انگلستان تشكيل جلسه داده و براي حفظ بهداشت عمومي از ا ين عمل نشرياتي منتشر نمودند و بدين وسيله مردم را متوجه ضررهاي تيغ‌هاي صورت تراشي نموده، ضمنا براي نتيجه گرفتن به دولت نيز پيشنهاد دادند كه جهت حفظ بهداشت عمومي جدا از اين كار جلوگيري نمايد. (11)

7 - بعضي از پزشكان فرانسوي مي‌گويند:

تيغ‌ها (و ماشينهاي) ريش تراشان ناقل امراض و باعث سرايت در دهاست و ريش تراشي، چهره و صورت مردان سالم را از بين مي‌برد. (12)

8 - «هانسدريش» آلماني مي‌گويد:

ريش براي مرد زينت است (13)

9 - «دكتر خوش منش»:

پوست بدن و موها بهترين مانع براي ورود ميكروبها مي‌باشند و موي صورت كاملاً از ورود ميكروب ممانعت مي‌كند.
خراش پوست به وسيله تراشيدن موجب پيدا شدن راهي براي وارد شدن ميكروب هاست.
موي صورت حافظ زيبايي و سلامتي آن است زيرا در اثر زياد تراشيدن، سلولهاي صورت فرسوده شده و به دنبال آن علائم پيري و چروك به زودي در صورت ظاهر مي‌گردد. (كساني كه ريش دارند، از صورت سفيد و لطيفتري بر خوردارند). به علاوه كساني كه ريش خود را مي‌تراشند به خاطر زبري و خشن بودن صورتشان كودك انسان مانع بوسيدن آنها مي‌شوند. (14)

10 - «دكتر صائبي»:

در رشته «فيزيولوژي» (15) ثابت شده بيضه مرد علاوه بر موادي كه با اسم ترشح منوي به خارج مي‌ريزد، داراي ترشح دروني است كه داخل خون شده، علائم بلوغ و نشانه مردي كه يكي از آن روييدن موي صورت است به وسيله همين ترشح دروني است.
چنانچه برخي كه فاقد بيضه هستند از داشتن موي صورت و چهره زيبا بي‌بهره‌اند.
بنا بر اين موي صورت يكي از نشانه‌هاي مرديست و مردان و نوابغ عالم سعي داشته‌اند علاوه بر صدها خصلت انساني، اين نشانه را در خود حفظ كنند.
(16)

11 - جريان كارخانه‌ي تيغ سازي:

((پل كن ريش Poul Kenrish)) شخصيست كه داراي كارخانه‌ي تيغ سازي بوده و روزي پانصد هزار تيغ توليد مي‌كرده و سالها ريش ميليونها انسان را با اين وسيله تراشيده است و ليكن بزرگي و زيبايي خود را در ريش گذاشتن دانسته و در تمام مدت عمرش از تراشيدن موي صورت خويش خود داري كرده است.
(17)

نتيجه گيري از اين فصل:

هر گاه كسي از روي انصاف و عدل در كتابها و در مطبوعات تازه و كهنه آسيا و اروپا نظر و انديشه نمايد، مقالات بي‌اندازه خواهد يافت در زشتيهاي عادت ريش تراشي و خوبي‌هاي گذاشتن آن. چنانچه پاره و اندكي از آن را به عرض شما رسانديم.
به اين نتيجه مي‌رسيم كه ريش تراشي مايه سرايت ناخوشيهاي سخت و مظهر زشتيهاي خلقت و سبب سرما خوردن و چائيدن استخوانهاي چهره و گلو و مرضهاي اعضاي حلق و فكين مي‌شود و هم باعث امراض زكامِي و رشحي و لقوه در دندان و اورام غدد لعابيه و غير آن مي‌گردد.
و به اين نكته پي مي‌بريم كه گذاشتن ريش مايه‌ي محافظت دهان و قوت تكلم و فصاحت گفتار و مانع رطوبات زائده حلق و حافظ وظائف غده‌هاي لعابي مي‌باشد و همچنين سبب قوت و محافظت استخوانهاي چهره و اعضاي گلو ودهان و گرم نگه داشتن آنهاست و نيز مانع از رسيدن غبار نرم و هواهاي سرد و نا ساز به سوراخهاي بيني و دهان مي‌شود.

فصل سوم، ريش تراشي از نظر روان شناسي

اشاره

روان شناسان ثابت كرده‌اند كه: انسان داراي قوه مغناطيسيست كه اثر آن مخصوصاً در چشمها مشهود است و به سبب نگاه كردن زنان به مردان و بالعكس اين قوه تقويت شده و غريزه جنسي را در دو طرف (مرد و زن) تحريك مي‌كند.
سيفليس و سوزاك و دردهاي ديگر كه در اثر شيوع فحشاء در برخي جوامع مي‌بينيم در اثر اين قوه جاذبه مي‌باشد.
بديهيست كه تراشيدن ريش از ته و صورت را براق كردن، سبب تقويت قوه جاذبه شده و تحريك و كشش‌هاي مغناطيسي را بين زنان و مردان افزايش مي‌دهد.
طبق نظريه علم فيزيولوژي و پسيكولوژي (18) نيروي شهوت از سن پانزده سالگي به بعد رو به افزايش است و تا بيست و پنج سالگي ادامه دارد، هر چه انسان از سن پانزده سالگي بالا مي‌رود سيماي او بر افروخته و روشن‌تر مي‌گردد و در چشم مرد و زن شيفتگي مخصوصي پيدا مي‌شود.
از همين سالهاست كه موي صورت روييده خواهد شد و اين روييدن موي صورت و نتراشيدن آن مانع برخي مفاسد اخلاقي ميان زنان و مردان شده و تا حدودي از پيش آمدن مسائل سوء شهواني جلوگيري مي‌نمايد. بر عكس مرد با تراشيدن ريش زنان و دختران را بيشتر متوجه خود مي‌سازد و در شيوع فحشاء و تحريك غريزه جنسي نقش موثري دارد. (19)

سؤال:

چرا عده‌اي از ريش گذاشتن فرار مي‌كنند؟
عده‌اي به خاطر نداشتن آگاهي و برخور دار نبودن از ايمان قوي و از همه بيشتر به خاطر مسخره شدن مقدسات مثل حجاب و ريش و ... توسط انسانهاي جاهل سعي مي‌كنند به خاطر در امان ماندن از حملات و طعن آنها ريش خود را بزنند و براي تراشيدن ريش خود بهانه‌هايي بياورند. لذا اين افراد گاهي مي‌گويند كه ما به خاطر رعايت بهداشت صورت خود را مي‌تراشيم در حالي كه مي‌توان ريش داشت و بهداشت را هم رعايت كرد و اگر واقعًا مسأله بهداشت مطرح است، چرا موهاي سرشان را نمي‌زنند.
و گاهي مي‌گويند:
مسأله ريش گذاشتن مربوط به صدر اسلام مي‌باشد به خاطر اين كه عربستان منطقه گرم و سوزاني بوده، اسلام براي حفظ پوست صورت دستور گذاشتن ريش را داده، اين توجيه هم بطلانش با آن همه دليل بر ضررهاي تراشيدن ريش روشن است.
عده‌اي براي اطاعت نمودن از همسر خود اين فعل را انجام مي‌دهند، عده‌اي هم به خاطر تقليد از ديگران.
و چه زيبا شاعر سروده است:
خلق را تقليدشان بر باد داد
اي دو صد لعنت بر اين تقليد باد
عده‌اي هم به خاطر غفلت از زيانهاي بهداشتي آن، عده‌اي هم به دليل زيبايي، چهره‌ي خود را با نداشتن مو در صورت مي‌دانند، عده‌اي هم تمدن را به تراشيدن ريش مي‌دانند و عده‌اي هم براي فرار از ريش گذاشتن مي‌گويند:
انسان كارهاي ديگرش را درست كند در حالي كه اين حرف هم درست نيست، زيرا اسلام مجموعه‌اي از دستورات حيات بخش است كه بايد واجبات آن را عمل كرد و محرماتش را ترك كرد، اگر ريش تراشي حرام شد، بايد انجام نداد و اين توجيهات پذيرفته نيست.

نكات مهم:

1 - بر اساس اين كه اسلام به نظم و مرتب بودن انسان در تمام مراحل زندگي سفارش نموده، شايسته است انسان مسلمان محاسن خود را مرتب شانه نمايد و از ژوليدگي و بي‌قوارگي ريشهايش جلوگيري نمايد تا ظاهري زيبا و پاكيزه داشته باشد و سبب ترغيب مردم به دين گردد.
انشاء الله روايات شانه كردن ريش را در چند فصل آينده خواهد آمد.
2 - امكان دارد بعضي از اشخاص نخواسته باشند محاسن بلند يا معمولي داشته باشند، چنين افرادي مي‌توانند ريش‌هاي خود را طوري كوتاه كنند كه عرفا ريش دار بودن صدق كند.
آنچه در اسلام حرام مي‌باشد زدن ريش از ته است و ديگر فرقي بين ماشين و تيغ نيست.
3 - رواياتي كه آورده مي‌شود در فضيلت ريش گذاشتن روشن مي‌كند كه اسلام ضمن بها دادن به معنويت و باطن به ظواهر بسيار اهميت مي‌دهد. لذا يك مسلمان وظيفه دارد هم در جهت معنويت و ارتقاء مكارم اخلاق تلاش نمايد و هم ظواهر خود و خانه و خانواده‌اش را بر اساس گفته‌هاي ائمه اطهار عَلَيْهِمُ‌السَّلَام حفظ نمايد و اگر نتوانست در جهت باطن و پرورش روح رشد كند لااقل ظاهرش را اسلامي نگه دارد، نه اين كه بگويد: اكنون كه من از جهت معنوي و اخلاقي مشكل دارم پس ظاهر را درست كردن چه فايده‌اي دارد و با تراشيدن ريش گناهي را بر ساير گناهان بيفزايد.

سوال:
آيا قرآن اشاره‌اي به حرمت ريش تراشيدن كرده است؟
جواب: آري. در چند آيه از قرآن مي‌رساند كه تراشيدن ريش حرام است.
«و اذا ابتلي ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن» (20)
در كتاب گرانسنگ و ارزشمند وَسَائِلِ الشِّيعَة از تفسير علي بن ابراهيم قمي (ره) كه در وثاقت و اعتبار او حرفي نيست در ذيل آيه‌ي شريفه از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است كه فرمودند:
وقتي خداوند حضرت ابراهيم عَلَيْهِ السَّلَام را خوب مورد امتحان قرار داد به اين كه فرزندش اسماعيل را ذبح كند، حضرت ابراهيم عَلَيْهِ السَّلَام پس از بيدار شدن تصميم بر ذبح فرزند خويش گرفت و پروردگار هم به جهت پاداش حضرت ابراهيمعَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
«پروردگار هم به جهت پاداش به حضرت ابراهيم عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
ما تو را امام بر مردم قرار داديم و سپس ((حنيفيت)) يعني پاكيزگي كه ده چيز پاك است را بر او نازل كرد، حضرت هم آنها را با خود آورد كه تاكنون نسخ نشده و تا روز قيامت هم نسخ نشده و تا روز قيامت هم نسخ نخواهد شد كه پنج چيز آن راجع به سر و عبارت است از:
1 - گرفتن شارب (سبيل)
2 - ريش گذاشتن
3 - تراشيدن موي سر
4 - مسواك كردن
5 - خلال نمودن.
و پنج چيز ديگر آن مربوط به بدن است كه عبارتند از:
1 - تراشيدن موهاي زائد بدن 2 - ختنه كردن
3 - ناخن گرفتن
4 - غسل جنابت
5 - طهارت با آب. (21)
تا اينجا معلوم شد كه بنا به فرموده‌ي حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام يكي از احكام دهگانه‌ي آيين ابراهيمي ريش گذاشتن است كه خداوند بر حضرت ابراهيم عَلَيْهِ السَّلَام نازل فرموده است.
خداوند تبارك و تعالي در سوره نحل مي‌فرمايد:
اتبع مله ابراهيم حنيفا. (22)
ترجمه: (اي رسول ما از آيين حنيف و پاك حضرت ابراهيم عَلَيْهِ السَّلَام تبعيت كن).

و معلوم شد يكي از احكام اين آيين ابراهيمي گذاشتن ريش است.
حال آيا تنها پيامبر اسلام صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم مامور به پيروي از آيين ابراهيمي مي‌باشند؟ خير زيا خداوند در سوره آل عمران فرموده:
«قل صدق الله فاتبعوا مله ابراهيم حنيفًا» (23)
اي پيامبر به امت خود بگو، راست گفت خدا: از آيين پاك ابراهيم عَلَيْهِ السَّلَام پيروي كنند.
«و ما اتئكم الرسول فخذوه و ما نهئكم عنه فانتهوا».
ترجمه: آنچه را پيغمبر براي شما آورده (از حكم) آن را بگيريد و از آنچه شما را نهي فرموده است خود داري كنيد).
و ما روايات زيادي از پيامبر اكرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم داريم پيرامون نهي از تراشيدن نهي و امر نمودن به گذاشتن ريش.
«و لا تلقوا بايد يكم الي التهلكه». (24)
ترجمه: (و خودتان را به دست خودتان به هلاكت نيندازيد).
چون تراشيدن ريش داراي امراضيست لذا قرآن هم اشاره دارد كه نبايد كسي خود را به هلاكت بيندازد، آن هم بدست خود و امراض آن را ما در فصل اول آورديم
پس با توجه به پنج آيه‌ي فوق و فرمايش امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روشن شد كه بنا به آيات قرآن، هم پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و هم امت ايشان مامورند به ريش گذاشتن.
ممكن است (درباره‌ي آيه 95 سوره آل عمران) گفته شود «اتبعوا» صيغهي امر است و دلالت ب رمطلق مطلوبيت اعم از وجوب و استحباب دارد، لذا ممكن است اين پيروي كردن واجب نباشد بلكه مستحب باشد.
در جواب عرض مي‌شود درست است كه صيغه‌ي امر دلالت بر اعم از وجوب و استحباب دارد، لكن در صورتي كه قرينه‌ي حمل بر استحباب موجود نباشد، عقل حكم بر لزوم اطاعت از امر مولي مي‌كند و در اين آيه‌ي شريفه اين چنين است.
باز ممكن است گفته شود قرينه بر استحباب موجود است و آن اين كه ريش گذاشتن در سياق بعضي از مستحبات قرار گرفته پس به حكم وحدت سياق بايد حمل بر استحباب شود.
عرض مي‌شود بله در سياق بعضي از مستحبات قرار دارد ليكن در بين اين ده چيز غسل جنابت هم وجود دارد كه يكي از غسلهاي واجب مي‌باشد، به همين دليل مي‌توان گفت در اينجا قرينه حمل بر استحباب وجود ندارد و لذا هر كدام از اينده چيز به سبب صيغه‌ي اتبعوا عقلًا واجب خواهد بود مگر اين كه رخصتي از جانب شارع به ما رسيده باشد كه در بعضي از اينها همچون مسواك زدن رخصت رسيده و در بعض ديگر مانند غسل جنابت و ريش

تراشي رخصتي به ما نرسيده است.
نتيجه اين كه ريش گذاشتن به حكم عقل واجب مي‌باشد.

فصل پنجم، سيره‌ي عمليه‌ي انبياء و اولياء دليل بر ريش گذاشتن و دليل عقلي بر لزوم ريش گذاشتن

سيره‌ي عمليه‌ي انبياء و اولياء دليل بر ريش گذاشتن

وقتي انسان با دقت به تاريخ زندگي انبياء و اولياء نظر مي‌كند در مي‌يابد كه از زمان حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا عصر حاضر از پيامبران، اولياء، صديقين و صلحاء و هر كس كه معتقد به دين بوده، ريش تراش نبوده‌اند و آن را از منكرات مي‌دانسته‌اند و احدي از علماء و رهبران ديني يعني مراجع معظم تقليد شيعه بلكه علماء اهل تسنن و حتي علماء اديان ديگر و بعضي از سلاطين و اطباء و دانشمندان خارجي مرتكب ريش تراشي نشده‌اند.
خوب اهتمام ورزيدن انبياء و اولياء و رهبران ديني در طول زمانها به ريش گذاشتن و نتراشيدن ريش حتي براي يك مرتبه كشف از اين نمي‌كند كه ريش گذاشتن مطلوب مولي بوده و حجتيست بر عليه كساني كه ريش مي‌تراشند؟ حتمًا جواب خواهيد داد بلي.

دليل عقلي بر لزوم ريش گذاشتن

يكي از دلائلي كه بر لزوم ريش گذاشتن اقامه شده است دليل عقليست به اين ترتيب كه:
عقل سالم به هر انساني حكم مي‌كند كه عبد و بنده‌ي مولا، كسيست كه در تمام رفتار و كردار متوجه مولاي خود بوده و در هيچ لحظه‌اي دمي بر خلاف رضاي مولاي خود بر ندارد كه اگر برداشت ديگر بنده‌ي او نيست بلكه بنده‌ي همان است كه در تحت سلطه‌ي او قرار دارد چرا كه هر چه در بند آني بنده‌ي آني و بر كسي پوشيده نيست كه مولاي حقيقي و آنكه، هر كس هر چه دارد از خداي تبارك و تعاليست و ديگران همه بنده‌ي او هستند و اقتضاي بندگي اين مولاي عزيز، اينست كه هر چه او از ما خواسته به همان نحو مطلوبي كه مورد رضايتش مي‌باشد به جا آوريم تا بدين وسيله به وظيفه بندگي خويش عمل كرده باشيم.
ريش گذاشتن يكي از اموريست كه نبابر حسب آنچه از منابع موجود بر مي‌آيد (كتاب، سنت، عقل و اجماع) مطلوب مولاي حقيقي بوده و ترخيصي هم از او در تراشيدن آ «به ما نرسيده، لذا بندگي اقتضاء مي‌كند هر كس خود را بنده‌ي او ميد اند ريش خود را نتراشد تا به وظيفه‌ي بندگي خويش عمل كرده باشد كه اگر خداي ناكرده تراشيد از زمره‌ي بندگان او خارج شده و از ديدگاه عقل سليم كاري ناپسند و قبيح مرتكب گشته و استحقاق عقاب هم دارد.
به اميد اين كه در باقي مانده‌ي عمر خويش در زمره‌ي بندگان شايسته‌ي او قرار گرفته و نواهي او را ترك و دستوراتش را آن طور كه مورد رضايت او مي‌باشد عمل نماييم. انشاء الله.
(در پاورقي – شيخ عباس قمي در منتهي الآمال در ماه رجب تعجب مي‌كنم از كساني كه ريش ندارند ... حرم شيبتي علي النار)

فصل ششم؛ احاديث درباره‌ي ريش و ريش تراشي

بخش اول؛ احاديث درباره‌ي ريش گذاشتن

حديث اول؛ ريش گذاشتن دستور خداست

خسرو پرويز پادشاه ايران براي باذان (پادشاه يمن) نامه نوشت كه دو نفر از مردان دلير خود را به مدينه بفرست تا پيامبر اسلام صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم را به خدمت ما بياورند، باذان دو نفر به نامهاي (بانويه) و (خرخسك) را به مدينه حضور پيامبر فرستاد.
اين دو نفر وارد مدينه شده و حضور پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم رسيدند بانويه بعرض رساند كه پادشاه ايران (كسري) براي پادشاه يمن (باذان) نامه نوشته و فرمان داده دو نفر از مردان خود را به سوي شما فرستد شما را به خدمتش ببرند، باذان هم ما را فرستاده تا با هم به حضور پادشاه ايران برويم، اگر اين پيشنهاد را مي‌پذيريد، من نامه‌اي براي سلطان ايران مي‌نويسم و در آن نامه سفارش شما را مي‌كنم كه اذيت و آزاري به شما نرساند و الا خودتان مي‌دانيد كه كسري شما را كشته و بلاد شما را نيز ويران مي‌كند، اين دو نفر كه حضور پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم رسيده بودند ريشهاي خود را تراشيده و سبيل‌هاي خود را گذاشته بودند، حضرت از روي كراهت فرمودند:
واي بر شما چه كسي شما را به اين وضع امر كرده؟ گفتند:
خداي ما كسري، پس حضرت فرمودند:
«امرني ربي ان اعفي لحيتي و اقص شاربي»
خدايم به من دستور داده كه ريش را بلند و شاربها را كوتاه سازم. (25)
شاهد روايت: ريش تراشيدن امري قبيح و مورد غضب پروردگار بوده كه پيامبر از ديدن آنها كراهت داشته‌اند و كلامشان را با كلمه‌ي ويل كه نام وادي جهنم است شروع كرده‌اند، همين دو امر كفايت مي‌كند بر اين كه ريش تراشي جايز نيست و لذا اگر كسي از روي عمد مرتكب شود محروم از بهشت و مستحق عقاب الهي خواهد بود.

حديث دوم؛ ريش زينت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام و فرزندان ذكور اوست

عن النبي صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم:
لَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَي آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَام أَتَاهُ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ هُوَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ - وَ يَقُولُ يَا آدَمُ حَيَّاكَ اللَّهُ وَ بَيَّاكَ - قَالَ أَمَّا حَيَّاكَ اللَّهُ و بَيَّاكَ اَلله - قَالَ فَسَجَدَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَام فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَي السَّمَاءِ وَ قَالَ يَا رَبِّ زِدْنِي جَمَالًا فَأَصْبَحَ وَ لَهُ لِحْيَةٌ سَوْدَاءُ كَالْحُمَمِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا - فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذِهِ؟ فَقَالَ هَذِهِ اللِّحْيَةُ زَيَّنْتُكَ بِهَا أَنْتَ وَ ذُكُورَ وُلْدِكَ إِلَي يَوْمِ الْقِيَامَه.
ابن مسعود از نبي اكرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم روايت كرده:
چون خداوند توبه حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام را قبول كرد، جبرئيل نزد او آمد و گفت:
من فرستاده‌ي خدا به سوي تو هستم خدا به تو سلام مي‌رساند بعد خود جبرئيل گفت:
زنده بدارد تو را خدا و خندان سازد تو را خدا. پس حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام سجده كرد، سپس سر از سجده برداشت و رو به طرف آسمان گفت:
پروردگارا جمال مرا زياد كن، صبح كه شد ريش سياهي در صورت او روييده شده بود با دست آنها را گرفت و عرض كرد:
پروردگارا اين چيست؟
خطاب شد:
اين ريش است كه زينت دادم تو را و فرزندان پسر تو را به آن تا روز قيامت. (26)
از اين حديث استفاده مي‌شود آنچه را كه خالق هستي زينت دهنده‌ي و زيبنده مقام حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام و فرزندان ذكور او تا روز قيامت دانسته ريش است و بهه يمن جهت كه ريش زينت مردان است و در زيان فارسي هم از آن به محاسن ياد مي‌شود.
حديث سوم:
ريش نشانه مرد بودن و سبب عزت آقايان است
عن الصادق عَلَيْهِ السَّلَام:
... فاذا ادرك و كان ذكرًا طلع الشعر في وجهه فكان ذلك علامه الذكر و عز الرجل الذي يخرج به من حد الصبا و شبه النساء و ان كانت انثي يبقي وجهها نقيا من الشعر لتبقي لها البهجه و النظاره التي تحرك الرجال لما فيه دوام النسل و بقاؤه.
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
زماني كه انسان به حد بلوغ رسيد، اگر مرد بود مو در صورت او روييده مي‌شود كه اين موهم علامت مرد بودن و هم موجب عزت او خواهد بود و

به وسيله‌ي آن از مرحله‌ي كودكي و از شباهت داشتن به زنان خارج مي‌شود و اگر زن بود در صورت او مو روييده نمي‌شود تا اين كه زيبايي و طرواوتي كه تحريك كننده‌ي مردان است به ازدواج و در سايه‌ي آن توليد نسل و بقاء انسان انجام مي‌گيرد باقي بماند.
سپس حضرت فرمودند:
اگر مو در صورت مردي روييده نشود آيا در شكل كودكان و زنان نمي‌ماند.
بعد فرمودند:
ديگر وقار و شكوهي در او ديده نمي‌شود. (27)
در ادامه حديث آمده است كه مفضل عرض كرد:
من عده‌اي از مردها را ديده‌ام كه در سن پيري از صورتشان مو روييده نمي‌شود.
حضرت فرمودند:
«اين به خاطر اعماليست كه در قبل از شماها سر زده است و خدا به بندگان خويش ظلم نمي‌كند». (28)
پس روييدن مو در صورت مردان نشانه‌ي خروج از زمان طفوليت و شباهت نداشتن به زنان و سبب شكوه و وقار آنها خواهد بود.
حديث چهارم:
بر خلاف مشركين باشيد
رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرموده‌اند:
بر خلاف مشركين باشيد سبيل‌ها را از ته كوتاه كنيد و محاسن را بلند بگذاريد. (29)

بخش دوم؛ احادیث در باب تراشیدن ریش

حدیث اول؛ ریش تراشیدن تغییر فرمان خداست

اشاره

قال الله تبارك و تعالي: و قال لاتخذن من عبادك نصيبًا مفروضًا و لاضلنهم و لامنينهم و ل آمرنهم فليبتكن آذان الانعام فليغيرن خلق الله. (30)
خداوند تبارك و تعالي مي‌فرمايد:
شيطان مي‌گويد هر آينه فرا مي‌گيرم از بندگان تو بهره‌اي كه مقرر شده و هر آينه گمراه مي‌كنم و آرزومند مي‌سازم ايشان را و امر مي‌كنم كه بشكافند گوشهاي چهارپايان را و تغيير دهند خلقت خدا را.
شاهد در قسمت آخر آيه است كه شيطان مي‌گويد:
من امر مي‌كنم كه بندگان تو تغيير دهند خلقت تو را البته البته.

سؤال: تغيير در خلقت چيست كه شيطان دستور به آن مي‌دهد؟

جواب: از امام باقر و صادق عليهما السلام در جد سوم تفسير تبيان ص 334 رويات شده كه مراد از تغيير، تغيير در فطرت توحيد و تغيير در فرمان خداست.
بنا بر فرمايش اين بزرگواران آيا ريش تراشيدن از موارد تغيير در فطرت توحيد و فرمان خدا نيست؟
چرا. به دليل اين كه انسانها فطرتًا محد و خداپرست و عامل بهدستورات خدا خلق شده‌اند و بر همين اساس با تمام وجود به دستورات او عمل مي‌كنند و هيچگاه بر خلاف فرامين او عمل نخواهند كرد، حال كسي كه بر اساس وسوسه‌هاي شيطاني ريش مي‌تراشد در حقيقت بر خلاف فرمان پروردگار خود عمل مي‌كند چرا كه پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرموده‌اند:
پروردگارم به من امر كرده كه ريشم را بگذارم.

حدیث دوم؛ تراشیدن ریش از مصادیق مثله است

رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرموده‌اند:
حلق اللحيه من المثله و من مثل فعليه لعنه الله.
تراشیدن ریش از مثله (شکنجه و آزار جسم و روح) است و هر که مثله کند بر او باد لعنت خداوند. (31)
مثله يعني بريدن و قطع كردن گوش يا بيني يا لب و يا انگشتان و ... كه نبي اكرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم از آن نهي فرموده‌اند حتي در مورد سگ گزنده و در این روایت پیامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ریش تراشیدن را از مصادیق مثله کردن شمرده‌اند که این خود دلیل بر حرمت ریش تراشي دارد.

حديث سوم؛ تراشيدن ريش سيره‌ي مجوسيهاست

رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرموده‌اند:
حفوا الشوارب و اعفوا الحي و لا تتشبهوا المجوس.
همانا مجوسيها ريشهاي خود را مي‌زدند و سبيلها را نمي‌زنند، اما ما سبيلهاي خود را مي‌زنيم ولي ريشهاي خود را نمي‌زنيم و اين فطرت دين است و تغيير نمي‌كند.
در روايتي ديگر آمده است كه سبيلهاي خود را بزنيد و ريشهاي خود را نتراشيد و خود را شبيه آتش پرستها قرار ندهيد. (32)

حديث چهارم؛ عمل قوم لوط

قوم لوط مردمي آلوده و ناپاك بودند كه خداوند سبحان در اثر عمل شنيع لواط آنها را نابود ساخت و يكي از اعمالي كه سبب نازل شدن عذاب بر آنها شد تراشيدن ريش بود.
رسول خدا صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرموده‌اند:
ده عمل زشت و گناه باعث عذاب قوم لوط شد، يكي عمل لواط و آن حضرت بقيه اعمال آنها را شمرد تا اين كه فرمود:
و تراشيدن ريش و بلند گذاشتن سبيل‌ها دو عمل و گناهي بود كه سبب از بين رفتن قوم لوط شد.
(33)

حدیث پنجم؛ تراشیدن ریش همراه با مسخ شدن

اشاره

حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
در زمان گذشته گروهي ريش تراشيدند و سبيلها را مي‌تا بيدند حق تعالي ايشان را مسخ كرد. (34)
خوب به اين حديث توجه فرمائيد ببينيد كه مولا حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام مي‌فرمايد:
عده‌اي به خاطر اين كه ريش خود را تراشيدند مسخ شدند.

سؤال: ممكن است عده‌اي بپرسند مسخ در امت اسلام نخواهد بود و اين حديث نمي‌تواند دليل حرمت باشد؟

مسخ در مقابل نسخ است كه هب معناي قطع علاقه يك روح از بدن و تعلق آن بر بدن انسان و يا حيوان ديگر است كه به آن تناسخ هم گفته مي‌شود. از نظر علماي اسلامي نسخ يا همان تناسخ باطلاست و چنين چيزي امكان پذير نيست. هر چند كه بعضي از فلاسفه آن را پذيرفته‌اند.
ولي مسخ يعني تبديل شكل انسان به شكل حيوان، مورد پديرش اكثريت قريب به اتفاق دانشمندان اسلاميست و ظاهر آيات و روايات به آن دلالت دارد.
در قرآن آياتي مربوط به مسخ است كه عبارتند از:
(يس / 67، بقره / 65، نساء / 47، اعراف / 163 - 167، مائده. 60).
اين آيات به روشني بر يك حقيقت دلالت دارند و آن اين كه گروهي از گنهكاران در ميان امتهاي پيشين به صورت بوزينه و خوك مسخ شده‌اند به اين صورت كه چهره و قيافه انساني آنها تغيير يافته و به شكل حيوان در آمده است.
نوع دانشمندان اسلامي اين حقيقت را به همين صورت پذيرفته‌اند و آن را يك معجزه الهي مي‌دانند.
تغيير شكل ظاهري انسان به حيوان از لحاظ عقلي محال نيست و ما نمي‌توانيم به صرف استبعاد، از ظاهر روشن آيات قرآني دست برداريم به خصوص اين كه ظواهر اين آيات را روايتهاي متعددي تقويت مي‌كند.
از جمله اين روايات روايات متعدديست كه درباره‌ي اصحاب سبت وارد شده، بعضي از اين روايات را مرحوم علامه مجلسي (ره) در كتاب شريف بِحار الأنْوار ج 14 ص 50 به بعد آورده است و در روايتي آمده كه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
از خوردن مسوخ منع شده تا مردم از آنها نفع نبرند و عقوبت را خفيف نشمارند. (35)
روايات در اين زمينه زياد است تا جايي كه در پرسشي كه از سيد مرتضي شده ادعاي تواتر اين روايات را نموده است.
(36)
گاهي كفته مي‌شود كه اين كار با سير كمالي انسان مخالف است و از لحاظ فلسفي انسان نمي‌تواند در سير استكمالي خود به ناقص برسد و يا قهقرا كند، پاسخ اين اشكال روشن است زيرا چون ماهيت انسان تغيير نمي‌يابد بلكه فرد مسخ شده با حفظ ماهيت انساني خود فقط از لحاظ قيافه به شكل حيوان ديده مي‌شود كه نوعي عقوبت الهيست و اساسًا

تغيير چهره‌ي انساني ربطي به مراحل استكمالي او ندارد و گرنه بايد تغيير قيافه‌ي شاداب يك جوان به قيافه‌ي افسرده‌ي پير كه در طول زمان صورت مي‌گيرد نيز محال باشد در حالي كه چنين نيست و همواره جوانها پير مي‌شوند و قيافه‌هاي نامطلوبي به خود مي‌گيرند.
مرحوم سيد مرتضي علم الهدي ضمن تأييد اين كه چنين تغيير قيافه‌اي محال نيست پرسشهايي را در اين زمينه مطرح مي‌كند.
از جمله اين كه، چگونه تغيير قيافه انسان با شكل حيوان، مجازات محسوب مي‌شود؟ در پاسخ مي‌گويد:
اگر اين شكل در آغاز به همين صورت آفريده شده باشد، مجازات نيست ولي اگر يك انسان زنده‌اي كه به زيباترين شكل ممكن آفريده شده تغيير كشل بدهد و به صورت حيوان در آيد، اين مجازات است زيرا كه شخص از اين تغيير دچار غم و غصه و تأسف مي‌شود. (37)
يعني آنها از وضع خود آگاهي داشتند و رنج مي‌برند. (38)
مطلبي كه باقي مي‌ماند اينست كه آيا مجازات مسخ مخصوص امهاي پيشين بوده و براي امت اسلامي چنين مجازاتي اعمال نخواهد شد و يا اين يك كيفر عموميست احتمال وقوع آن همواره موجود است؟
در بعضي از كتابها به ابن عباس نسبت داده شده كه او گفته است اين مجازات به امتهاي پيشين اختصاص داشت. (39)
و مرحوم علامه مجلسي (ره) گفته است تمام مجازاتهاي امم گذشته در اين امت هم وجود دارد منتهي به صورت معنويست و مسخ در اين امت بهمعناي مردن قلب و روح انساني و حرمان از علم وك مال است هر چند كه به ظاهر صورت آدمي داشته باشد.
(40)
ولي رواياتي وارد شده كه در ميان امت اسلامي هم امكان مسخ وجود دارد. در روايتي آمده كه شخصي كه با حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام عناد مي‌كرد و با نفرين او به صورت سگ در آمد. (41)
و در روايتي آمده كه عُمَر بِن سَعْد قاتل امام حسين عَلَيْهِ السَّلَام پس از كشته شدن به صورت بوزينه‌اي در آمد كه در گردنش زنجير بود.
(42)
و همچنين در روايتي از پيامبر اسلام صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم آمده است كه در ميان امت من نيز خسف و مسخ اتفاق مي‌افتد. (43) و در روايتي از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده كه بني‌اميه در حال مرگ مسخ مي‌شدند و از جمله عبدالملك بن مروان به شكل قورباغه در آمد. (44)
و در روايتي هم آمده است كه: هيچ يك از بني‌اميه نمي‌ميرند مگر آنكه به صورت چلپاسه (مارمولك) مسخ مي‌گردند.
با اين توضيحاتي كه داده شد احتمال مسخ شدن وجود دارد.

حديث ششم؛ دليل حرمت ريش تراشي

روي عن حبابه الوالبيه آنها قالت: رأيت اميرالمؤمنين عَلَيْهِ السَّلَام في شرطه الخميس و معه دره يضرب بها بياعي الجري و المار ماهي و المير و الطافي و يقول لهم يا بياعي مسوخ بني‌اسرائيل و چند بني مروان فقام اليه فرات بن احنف فقال له ياامیرالمؤمنين و ما چند بني مروان؟
فقال عَلَيْهِ السَّلَام:
اقوام حلقوا اللحي و فتلوا الشوارب فمسخوا.
علامه محمد باقر مجلسي (رحمه الله) به نقل از مرحوم كليني (رحمه الله) از حبابه الوالبيه روايت كرده كه مي‌گويد:
ديدم حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام را در جلو لشكر با تازيانه‌اي فروشندگان ماهي جري و مار ماهي و ماهي زمير و ماهي طافي (انواع ماهي‌هاي حرام گوشت) را مي‌زدند و مي‌فرمودند:
اي فروشندگان مسوخ بني‌اسرائيل و بني مروان. پس فرات ين احنف بلند شد و عرض كرد يا علي لشكر بني مروان چه كساني هستند؟ حضرت فرمودند:
«اقوام حلقوا اللحي و فتلوا الشوارب فمسخوا». اقوامي بودند كه ريشهايشان را مي‌تراشيدند و سبيلها را تاب مي‌دادند و خدا هم ايشان را مسخ نمود. (در اثر اين دو گناه مسخ شدند و به شكل حيوانات در آمدند). (45)

حديث هفتم؛ تراشيدن ريش از كارهاي بابيت است

او در اقدس ص 42 مي‌گويد:
پوشيدن لباس ابريشم براي مردها حلال است و محدود شدن در لباس و ريش برداشته شود شما در پوشيدن هر نوع لباس و تراشيدن ريش آزاديد. (46)

حديث هشتم؛ ريش تراشي شبيه نمودن مرد است صورت خود را به صورت زن

عن الباقر عَلَيْهِ السَّلَام انه قال:
ان رسول الله صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم لعن المشتبهين عن الرجال بالنساء و لعن المشتبهات من النساء بالرجال.
از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روايت شده كه رسول اكرم صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم لعنت كرده‌اند مرداني كه خود را به شكل زنان و زناني كه خود را به شكل مردان در آورند. (47)

چنانچه زنان در پوشاندن صورت آرايش كرده و زينت يافته‌ي خويش وظايفي دارند براي مردان نيز سزاست كه صورت خويش را از محاسن خالي نگذارند و در حقيقت سيماي مردان با وجود محاسن نشان تمايز آنان از زنان است.
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مي‌فرمانيد:
ريش در صورت سبب عزت مرد است و به وسيله محاسن مرد از بچه بودن خارج مي‌شود و همچنين صورتش مثل صورت زنان نخواهد بود. (48)
از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام سؤال شد چه امتياز و ارزشي در ريش است كه مردان دارند ولي زنان ندارند؟
امام فرمود:
زين الله الرجال باللحي و جعلها فضلًا يستدل بها علي الرجال من النساء.
خداوند مردان را به وسيله‌ي محاسن زينت داده است و فضيلتي براي مردان است و به وسيله ريش مردان از زنان شناخته مي‌شوند. (49)
رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمودند:
ليس منا من سلق و خرق لا حلق.
مسلمان واقعي نيست كسي كه با بي‌شرمي سخن گويد و مال خود را تبذير كند و محاسن خود را بتراشد. (50)
از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام سؤال شد:
آيا براي مرد جايز است ريش خود را بتراشد؟
خضرت فرمود:
دو طرف صورت (گونه‌ها) و زير گردن اشكال ندارد، اما بقيه صورت جايز نيست. (51)
بايد توجه داشت كه آنچه در اسلام نكوهيده و حرام مي‌باشد تقليد مسلمانان در فرهنگ و آداب و رسوم از بيگانگان است و اين كه حركاتي با لباس و ... از خود نشان دهند كه در جامعه انگشت نما شوند. زيرا وقتي مسلماني كه اطلاع چنداني ازد ين خود ندارد در نام گذاري فرزند، خيابان، پوشيدن لباس و چهره، غذا خوردن و شكل ساختمان و ... به كفار اقتداء كنند، به تدريج فرهنگ و هويت خد را فراموش مي‌كنند و متاسفانه چه بسا افرادي بوده‌اند كه در اثر بي‌اطلاعي از اسلام ابتدا در مسائل جزيي از بيگانگان تقليد كرده‌اند و اين كار به مرور زمان بر وسعت خود افزوده تا جايي كه به طور كلي اصلت خود را از دست داده‌اند بر همين اساس است

که رسول خدا صَلّي اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلّم و ا ئمه اطهار به شدت شبيه شدن به بيگانگان را منع فرموده‌اند و يكي از علل آنكه ريش تراشي در اسلام گناه بزرگي محسوب شده است براي آن است كه شخصي كه مرتكب اين عمل شود عالوه بر ضرر جسمي كه اين عمل دارد خود را شبيه بيگانگان و كفار نموده است.
رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرموده‌اند:
«ليس منا من تشبه بغيرنا»
كسي كه خود را شبيه به غير مسلمانان در آورد از ما نيست. (52)
«من تشبه بقوم فهو منهم»
هر كس خود را شبيه گروهي كند، از آنها محسوب مي‌شود. (53)
«ليس منا عن عمل بسنه غيرها»
مسلمان واقعي نيست كسي كه به دستور (آداب و رسوم بيگانه) عمل نمايد. (54)

بخش سوم؛ شانه کردن ریشها و چهارده منفعت آن

اشاره

مخفي نماند كسي كه ريش خود را مي‌تراشد (به هر نحوي كه باشد با تيغ يا ماشين) از اين منافع بي‌بهره است و از بسياري از فوائد و بركات شانه كردن ريش به دور است و شانه كردن ريش داراي چهارده منفعت است كه از روايات و احاديث اهل بيت به دست آمده است.

14 فائده شانه كردن ريش

1 - مو را نيكو مي‌كند
2 - حاجت را بر مي‌آورد 3 - در (نيروي) صلب او مي‌افزايد
4 - بلغم را دفع مي‌كند
5 - دندان را محكم مي‌كند
6 - حافظه را زياد مي‌كند
7 - شانه كردن ريش پي هر وضو فقر را بر طرف مي‌كند
8 - درد را از جسد بيرون مي‌كند
9 - كرم را از بيني دور مي‌كند 10 و 11 - گوشت و لثه بين دندان و لثه را پاك مي‌كند
12 - هر كس ريش خود را 70 بار شانه كند يكبار يكبار شيطان چهل روز نزديك او نيايد
13 - زرداب را خاموش مي‌كند
14 - با شانه‌ي عاج (استخوان فيل) شانه كردن، مو را در سر مي‌رويانند. (55)
در روايات اسلامي آمده است كه يكي از شيوه‌هاي درمان وسواس شانه كردن محاسن مي‌باشد. (56)

ريشها را نشسته شانه كنيد

1 - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
هر كس ايستاده محاسنش را شانه كند قرض او را فرا مي‌گيرد.
(57)
2 - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
در حمام محاسنت و موهايت را شانه نكن كه مو را سست مي‌كند.
(58)
3 - حضرت علي عَلَيْهِ السَّلَام مي‌فرمايد:
شانه كردن ايستاده فقر مي‌آورد. (59)
4 - حضرت امام كاظم عَلَيْهِ السَّلَام مي‌فرمايد:
شانه كردن ريش در حال ايستاده دل را ضعيف و در حال نشسته دل را قوي مي‌كند.
(60)

كمتر از حد عرفي نبودن

ريش بايد كمتر از حد عرفي نباشد يعني اين كه در عرف بگويند: فلاني ريش دارد و اين معنا وقتي تحقق پيدا مي‌كند كه موي صورت به اندازه‌اي بلند باشد كه بتوان با سر انگشتان آنها را گرفت.

دعاي وقت شانه كردن

اللهم صل علي محمد و آل محمد و البسني جمالا في خلقك و زينه في عبادك و حسن شعرتي و بصري و لا تبتليني بالنفاق و ارزقني المهابه بين بريتك و الرحمه من عبادك يا ارحم الراحمين. (61)
خدايا درود فرست بر محمد و اهل بيت محمد و عطا كن مرا صورتي نيكو در بين خلق خودت و زيبايي در بين بندگانت و نيكو كن موي مرا و چشم مرا و مبتلا مكن مرا به دورويي و عنايت كن كه من فروتني بين آفريدگان خودت و مهرباني را نسبت به بندگانت اي مهربانترين مهربانان.

فصل هفتم؛ شارب (سبیل)

الف: نوشيدن آب با سبيل بلند از لحاظ بهداشتي

رعايت بهداشت، در تمامي خوردني‌ها و نوشيدني‌ها لازم و ضروريست، اگر موي سبيل بلند باشد به ناچار با خوردني‌هاي مختلف تماس خواهد داشت.
اگر شخصي دودي و سيگاري باشد سبيلهايش از دود سيگار پوشيده و آلوده خواهد شد كه در موقع نوشيدن آب با آب تماس پيدا كرده و ميكروبهاي مختلف به آب انتقال يافته، دوباره به درون بدن او بر مي‌گردد.
بدين جهت در دين اسلام از نوشيدن آب با سبيل بلند نهي شده و مورد مذمت قرار گرفته است.
سبيل بلند از نظر پزشكي هم پسنديده نيست. پس دقت فرمائيد كه از قديم گفته ا ند:
«الشارب بالشارب كالشارب» (1 - مثل مشهور است) هر كس، با سبيل بلند آب بنوشد مانند كسيست كه شراب بنوشد (آشاميدن با سبيل مانند آشاميدن مشروب است).
مخفي نماند اين تشبيه‌ها و سخت گيريها بيشتر به خاطر حفظ بهداشت خود و اجتماع مي‌باشد كه بايد پرهيز كرد و گر نه هيچ وقت گناه آب نوشيدن با سبيل بلند با گناه شرابخواري در كفه ترازو مساوي نخواهد بود.

1 - رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

«لا يطولن احدكم شاربه فان الشيطان يتخذه جنه يستتر به»
هرگز كسي سبيلش را بلند نكند، چون شيطان آنجا را براي خود پناهگاه (سپر استتار) قرار مي‌دهد. (62)
در روايت ديگر آمده است كه حضرت فرمودند:
«لا يطولن احدكم شاربه و لا عانته و لا شعر اِبطه فان الشيطان يتخذها مخابي يستتر فيها.» (63)
2 - امام صادق و حضرت علي عليهما السلام مي‌فرمايند:
گرفتن سبيل از جمعه تا جمعه ديگر امان از مرض جذام است.
(64)
2 - كوتاه كردن سبيل از دين حنيف ابراهيمي عَلَيْهِ السَّلَام است.
(65)
4 - از سنتهاي سر كوتاه كردن سبيل است.
(66)
5 - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
شارب گرفتن رفع غم و وسواس كند.
(67)
6 - رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:
شارب را از ته بگيريد، به يهوديان و گبران خود را شبيه مگردانيد و فرمود:
نيست از ما كسي كه شارب خود را نگيرد.
(68)
7 - امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
هر كه ناخن و شارب در هر جمعه بگيرد، در وقت گرفتن بگويد:
«بِسْمِ اللَّه و بالله و علي سنه محمد و آل محمد» بعدد هر ريزه‌اي كه از مو و ناخن او بريزد حق تعالي ثواب يك بنده از فرزندان اسماعيل آزاد كردن را به او عطا فرمايد، بيمار نشود مگر به بيماري مرگ.(69)
ب: عاقبت بلند نگه داشتن سبيل در كلام رسول الله صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم
1 - مسلمان واقعي نيست.
رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
«يا علي من لم ياخذ شاربه فليس منا»
يا علي! كسي كه سبيل خود را كوتاه نكند مسلمان واقعي نيست.
2 - بي‌بهره از شفاعت
«و لم تنل شفاعتنا التارك لشاربه»

و شفاعت ما شامل كسي كه سبيل خود را كوتاه نمي‌كند نمي‌شود.
3 - ملعون خداوند و فرشتگان
«لم يزل في لعنه الله و الملائكه»
و هميشه مورد لعن خداوند فرشتگان است.
4 - مانع اجابت دعا
«و لا يستجاب له دعاء»
دعاي او به استجابت نمي‌رسد.
5 - باعث سخت جان دادن
«و اذا قبض روحه قبض بشده»
و در هنگام قبض روح با سختي روحش از بدن جدا مي‌شود.
6 - سبب عذاب در قبر
«و عذابه في القبر صعب»
عذاب او در قبر بسيار سخت است.
7 - تسلط مارها و عقربها
«و يسلط عليه الحيات و العقارب بكل شعره»
براي هر موي سبيل مارها و عقربها بر او مسلط مي‌شوند.
8 - عذاب هميشگي
«و كان معذبا الي القيامه»
انساني كه سبيل خود را كوتاه نكند تا قيامت در قبر عذاب مي‌شود.
9 - اهل جهنم
«و اذا خرج من قبره كان مكتوبا بين عينيه هذا من اهل النار»
و هنگامي كه از قبرش خارج مي‌شود و در پيشاپيش نوشته شده كه اين شخص اهل جهنم است.

و اجرت گرفتن
تراشيدن ريش ديه دارد
براي ازاله موي ريش در شرع ديه‌ي كامل مقرر شده و هر كه چنين باشد فعلش بر غير بلكه بر صاحبش حرام است.
ديه آسيب رساندن به ريش
آنقدر ريش در اسلام ارزش دارد و به آن اهميت داده شده كه اگر كسي ريش ديگري را بكند و يا كاري كند كه ريش او به طور كلي از بين برود بايد ديه كامل بپردازد و اگر قسمتي از ريش رويید و قسمت ديگر نرويید بايد يك سوم ديه را بدهد.
امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
«قضي اميرالمؤمنين في اللحيه اذا خلقت فلم تنبت الديه كامله فاذا نبتت فثلث الديه»
اميرالمؤمنين عَلَيْهِ السَّلَام در مورد كسي كه ريش ديگري را از بين ببرد به طوري كه اصلًا نرويد حكم كردند بايد ديه كامل بپردازد و اگر قسمتي از آن رويید بايد يك سوم ديه را بدهد. (71)
حضرت امام خميني (رحمه الله) در تحريرالوسيله ج 2 بحث ديه‌ي موي سر و ريش همين فتوي و حكم را در ميان فتاوي انتخاب مي‌نمايند. (72)
يك سؤال مهم:
اجرت بابت تراشيدن ريش
سؤال: اجرت گرفتن بابت تراشيدن ريش چه حكمي دارد؟
جواب: پولي را كه پيرايش گر و تراشنده‌ي ريش به عنوان اجرت مي‌گيرد حرام است.
چرا كه رسول خدا صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمودند:
اذا حرم الله شيئًا حرم ثمنه.
وقتي خدا چيزي را حرام نموده اجرت آن را نيز حرام كرده است.
(73)
نكته‌اي به برادران:
بايد توجه داشت كه احكامي را كه مراجع تقليد مي‌گويند از قرآن و روايات اهل بيت عصمت و طهارت استخراج كرده و بيان مي‌فرمايند در حق كساني كه از آنها تقليد مي‌كنند حكم خداست، لذا افرادي كه مرجعشان مي‌فرمايد:
ريش تراشي حرام است خواه به صورت فتوا و حكم و خواه به صورت

احتياط وجوبي، بدانند كه اجرت گرفتن بابت آن را نيز به همان صورت حرام مي‌دانند.

فصل نهم؛ جویدن مو و امراض آن

جويدن مو و امراض آن

اين فصل ربطي به تراشيدن ريش ندارد البته كساني هستند كه موهاي خود را مي‌خورند حال يا موهاي سبيل يا محاسن و يا در بين زنان گيسوان خود را.
بيماري گيسو خوردن (تريكوبنروار - فيتوبنروار) مخصوصاً بين دختران جوان و بانوان ديده شده كه حتي آنقدر ديده شده كه موهاي خورده شده در معده جمع و تركيب و شكل معده تغيير يافته است و نيز كساني كه عادت دارند شانه را در دهان بگيرند و چند تار مو را ببلعند و نزد زناني كه ويار دارند نيز ديده شده است.
در بين مردان نيز كساني هستند كه موهاي شارب خود را لاي دندانها گذارده و مي‌جوند و ذراتش را مي‌خورند با سر ريش خود را برگردانده آن را جويده جدا شده‌ها را بلع مي‌نمايند.
اولين مرتبه به وسيله دانشگاه ريود وژا نيرو اين حقيقت كشف و اعلام گرديد كه خوردن مو سبب پيدايش خمودگي‌هاي روحي مي‌گردد و كساني كه عادت به مو خوردن يافته‌اند دچار تزلزل روحي مي‌شوند. ولي سابقه اسلامي آن به 14 قرن مي‌رسد كه جويدن آن را ممنوع دانسته‌اند.
ناگفته نماند بيماري جنون كشيدن و كندن موها نيز هست كه در افراد عصباني مزاج ديده مي‌شود و بيماري (TrichoKrptomania) پاره و قطع كردن مو كه بهترين روش درماني از طريق روانشناسيست (74)

فصل دهم؛ داستاني درباره‌ي ريش تراشي

داستان آيت الله بافقي (رحمه الله)

روزي آيت الله شهيد حاج شيخ محمد تقي بافقي (رحمه الله) به حمام عمومي تشريف مي‌برد البته هر فرد با ورود به محوطه‌ي اصلي حمام با شخصيت ظاهريش كه با لباس شناخته مي‌شود، نا معلوم خواهد بود.
در آن جا بين ثروتمند و فقير، شاه و گدا فرقي نيست و همه يكسان و مانند هم مي‌باشند. وقتي آيت الله بافقي (رحمه الله) به داخل حمام وارد مي‌شود ناگهان با صحنه‌اي روبرو مي‌شود كه بايد به وظيفه خويش يعني (نهي از منكر) عمل نمايد. مي‌بيند فردي در برابر آيينه مشغول تراشيدن ريش خود هست به او نزديك مي‌شود و براي اداي تكليف ديني خود و شكستن اين سنت غلط كه مورد تحريم مراجع بزرگوار است به وي تذكر مي‌دهد كه آقا اين عملي كه شما انجام مي‌دهيد، يعني تراشيدن ريش حرام است و آن را ترك كن.
آن شخص كه يكي از سرهنگ‌هاي بلند پايه‌ي ارتش رضا خاني بود وقتي در برابر نصايح خيرخواهانه آن اسوه‌ي تقوا و پرهيزگاري واقع مي‌شود غضبناك شده و بي‌درنگ سيلي محكمي به صورت آن عالم وارسته مي‌نوازد.
آيت الله بافقي (رحمه الله) با مواجه شدن با چنين عكس العملي، طرف ديگر صورت خويش را به سوي آن شخصمي گيرد و مي‌فرمايد:
«به اين طرف صورتم نيز سيلي ديگر بزن و از اين كار حرام دست بردار»
آن شخص مغرور وقتي با اين همه بزرگواري و سعه‌ي صدر آيت الله بافقي (رحمه الله) روبرو مي‌شود، از دلاك حمام كه آيت الله بافقي را مي‌شناخت سؤال مي‌كند اين آقاي بزرگوار كيست؟
او جواب مي‌دهد ايشان حضرت آيت الله حاج شيخ محمد تقي بافقي مي‌باشند. وقتي سرهنگ ارتش رضاخاني آن عالم جليل القدر را مي‌شناسد خدمت ايشان شرفياب مي‌شود و با نهايت پشيماني عذر خواهي و طلب عفو و بخشش مي‌كند و به ايشان قول مي‌دهد كه از آن زمان به بعد دست از عمل ريش تراشي بردارد و تا پايان عمر مرحوم آيت الله بافقي (رحمه الله) از نزديكان و مريدان ايشان محسوب مي‌گردد. (75)

فصل یازدهم؛ فتاوي مراجع و علماء قدیم

اشاره

يكي از دلائلي كه از براي حرمت ريش تراشي وجود دارد فتاوي علماء و مراجع تقليد است كه قائل به حرمت ريش تراشي هستند.

[فتوي به حرمت]

اشاره

البته بعضي از مراجع صريحًا فتوي به حرمت داده‌اند مانند:

1 - شيخ بهايي (رحمه الله):

تراشيدن ريش مانند ساير گناهان كبيره است.

2 - كَاشِف الغِطَاء (رحمه الله):

حرمت تراشیدن ریش از مسلمات است.

3 - علامه محمد باقر مجلسي (رحمه الله):

تراشيدن ريش قطعيست.

4 - شیخ مرتضي انصاري (رحمه الله):

تراشیدن ریش حرام است.

5 - مرحوم صدر اصفهاني (رحمه الله):

ريش تراشي را به طور مفصل تحريم كردم و كسي كه قائل به عدم حرمت است از دو حال بيرون نيست، يا از راسخان در علم نيست يا قصدش اظهار فضل است.
والله العالم.

6 - آیت الله العظمي سید ابوالحسن اصفهاني (رحمه الله):

تراشیدن ریش حرام است
و الله العالم. (توضیح المسائل)

7 - آيت الله العظمي بروجردي (رحمه الله):

تراشيدن ريش و ماشين كردن آن اگر مثل تراشيدن باشد حرام است و حكم خدا به واسطه مسخره كردن مردم تغيير نمي‌كند.
(توضيح المسائل م 2834)

8 - آيت الله العظمي گلپايگاني (رحمه الله):

تراشيدن ريش و ماشين كردن آن اگر مثل تراشيدن باشد حرام است و حكم خدا به واسطه مسخره كردن مردم تغيير نمي‌كند.
(توضيح المسائل). (76)

[فتوي به حرمت بنا بر احتياط واجب]

اشاره

و بعضي از مراجع بنا بر احتياط واجب قائل به حرمت شده‌اند مانند:

1 - امام خميني (رحمه الله):

تراشيدن ريش و ماشين كردن آن اگر مثل تراشيدن باشد احتياط واجب حرام است.
(توضيح المسائل)

2 - آيت الله العظمي خويي (رحمه الله):

تراشيدن ريش و ماشين كردن آن اگر مثل تراشيدن باشد بنا بر احتياط واجب حرام است.
(توضيح المسائل)

سه سؤال استفتاء شده پيرامون ريش و ريش تراشي

اشاره

سه سؤال از مراجع تقليد استفتاء شده كه در كتاب 14 نكته راجع به ريش و ريش تراشي آمده است كه ما آنها را در اينجا از همان كتاب به طور كامل نقل مي‌كنيم.

سؤال 1: تراشيدن ريش و ماشين كردن آن كه به نحو تراشيدن باشد چه حكمي دارد؟

1 - حضرت آيت الله العظمي بهجت (رحمه الله):
حرام است علي الاحوط.
2 - حضرت آيت الله العظمي تبريزي (رحمه الله):
بنا بر احتياط واجب جايز نيست.
3 - حضرت آيت الله العظمي خامنه‌اي (دامت بركاته):
جايز نيست علي الاحوط.
4 - حضرت آيت الله العظمي سيستاني (دامت بركاته):
به احتياط واجب جايز نيست.
5 - حضرت آيت الله العظمي صافي گلپايگاني (دامت بركاته):
حرام است
و الله العالم.
6 - حضرت آيت الله العظمي فاضل لنكراني (رحمه الله):
بنا بر احتياط واجب حرام است.
7 - حضرت آيت الله العظمي مجلسي (دامت بركاته):
بنا بر احتياط واجب جايز نيست.
8 - حضرت آيت الله العظمي مظاهري (دامت بركاته):
حرام است.
9 - حضرت آيت الله العظمي مكارم شيرازي (دامت بركاته):
احتياط در ترك آن است.

سؤال 2: آيا براي رشد بهتر ريش و يا به واسطه احساس خارش مي‌توان آن را تراشيد يا با ماشين ته زن اصلاح نمود؟

1 - حضرت آيت الله العظمي بهجت (رحمه الله):
حرام است علي الاحوط و در موارد ضرورت حكم ساير محرمات را دارد.
2 - حضرت آيت الله العظمي تبريزي (رحمه الله):
روييدن چند مو در صورت و چانه عرفا ريش حساب نمي‌شود و احساس خارش مجوز تراشيدن آن نيست.
3 - حضرت آيت الله العظمي خامنه‌اي (دامت بركاته):
براي رشد بهتر ريش جايز نيست آن را تراشيد علي الاحوط و احساس خارش اگر ضرورت لازم المراعاتي ندارد جايز نيست.
4 - حضرت آيت الله العظمي سيستاني (دامت بركاته):
رشد مجوز تراشيدن نيست و احساس خارش هم جايز نيست مگر موجب حرج باشد.
5 - حضرت آيت الله العظمي صافي گلپايگاني (دامت بركاته):
خير حرام است و احساس خارش هم مجوز تراشيدن نمي‌شود.
و الله العالم
6 - حضرت آيت الله العظمي فاضل لنكراني (رحمه الله):
خير و اين امور موجب ارتكاب حرام نمي‌شود.
7 - حضرت آيت الله العظمي مجلسي (دامت بركاته):
اگر موقع رشد صدق ريش كند تراشيدن آن اشكال دارد و احساس خارش هم مجوز تراشيدن نيست.
8 - حضرت آيت الله العظمي مظاهري (دامت بركاته):
خير، جايز نيست.
9 - حضرت آيت الله العظمي مكارم شيرازي (دامت بركاته):
اگر نمو كافي نكرد، به طوري كه صدق ريش كند اشكال ندارد و از موقع احساس خارش هم اگر مدتي بگذرد عادت مي‌كند.
(77)

سؤال 3: حد وجوب ريش گذاشتن چقدر است؟

1 - حضرت آيت الله العظمي بهجت (رحمه الله):
و لو با نمره بايد صدق داشتن ريش كند عرفا.
2 - حضرت آيت الله العظمي تبريزي (رحمه الله):
چانه و اطراف آن است طوري كه عرفا بگويند ريش دارد.
3 - حضرت آيت الله العظمي خامنه‌اي (دامت بركاته):
صدق داشتن ريش عرفا كفايت مي‌كند.
4 - حضرت آيت الله العظمي سيستاني (دامت بركاته):
به مقداري كه گفته شود ريش دارد.
5 - حضرت آيت الله العظمي صافي گلپايگاني (دامت بركاته):
حد آن به مقداريست كه عرفا بگويند ريش دارد.
6 - حضرت آيت الله العظمي فاضل لنكراني (رحمه الله):
حديست كه در عرف اطلاق ريش بر آن صادق آيد.
7 - حضرت آيت الله العظمي مجلسي (دامت بركاته):
صدق عرفي كفايت مي‌كند.
8 - حضرت آيت الله العظمي مظاهري (دامت بركاته):
به مقداري كه عرفا بگويند فلاني ريش دارد.
9 - حضرت آيت الله العظمي مكارم شيرازي (دامت بركاته):
مسلما شامل چانه مي‌شود ولي اصلاح گونه‌ها اشكالي ندارد و بايد عرفا صدق ريش كند.
(78)
نتيجه:
حرام بودن تراشيدن ريش و حلال بودن گذاشتن آن و فوائد آن و مضرات تيغ كشيدن با استفاده از آيات قرآن و روايات اهل بيت عصمت و طهارت و فتاوي مراجع بزرگوار تقليد و روان شناسي و پزشكي آن بيان و اثبات شد.

پي‌نوشت

(1) - بحار الآنوار / ج 53 / ص 181.
(2) - اولين دانشگاه و آخرين پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ج 15 ص 243 - 263 و ريش تراشي ص 12 و 13
(3) - اولين دانشگاه و آخرين پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ج 15 صص 243 تا 263 و كتاب ريش تراشي ص 13 - 16
(4) - ريش تراشي ص 16 و 17
(5) - تاريخ آمريكا، نويسنده: سجعان ماروني نصراني ص 160
(6) - ريش تراشي ص 37 اسدالله محمدي نيا
(7) - مجله مقتطف ص 538 سال 1958 ميلادي
(8) - مجله‌ي المقتبس – مجلد ششم ص 144
(9) - روزنامه العدل ش 132 تاريخ 21 نوامبر سال 1911 ميلادي
(10) - تاريخ آمريكا ص 160
(11) - روزنامه العدل ش 132 تاريخ 21 نوامبر سال 1911 ميلادي
(12) - ريش تراشي ص 38
(13) - همان ص 38
(14) - ريش تراشي ص 39 به نقل از تراش ريش از نظر بهداشت ص 20
(15) - فيزيولوژي علميست كه درباره‌ي اعضاي بدن جانداران بحث مي‌كند.
(16) - ريش تراشي ص 40
(17) - چهارده نكته درباره‌ي ريش و ريش تراشي ص 46 / رضا مسجدي اصفهاني / به نقل از اطلاعات هفتگي ش 194 / ص 6 ستون 2.
(18) - پسيكولوژي: علمي كه مربوط به روح و روان انسان بحث و تحقيق مي‌كند.
(19) - ريش تراشي ص 42 به نقل از تراش ريش از نظر بهداشت ص 40
(20) - بقره / 124
(21) - وَسَائِلِ الشِّيعَة ج 1 ص 423
(22) - نحل / 123
(23) - آل عمران / 95
(24) - بقره / 195
(25) - كامل ابن اثير ج 2 ص 106، فرازهايي از تاريخ پيامبر اسلام / آيت الله سبحاني ص 386

(26) - بِحار الاَنْوار ج 73 ص 110 ح 8، عِلَلُ الشَّرَائِع ج 2 ص 380
(27) - بِحار الاَنْوار ج 3 ص 62 و توحيد مفضل ص 48 و 49 و منتهي الآمال ج 2 ص 75
(28) - انفال / 51
(29) - ميزان الحكمه ج 11 ص 5305 ح 18142 و صحيح مسلم ج 1 ص 221 باب 16
(30) نساء / 7
(31) - منتهي الآمال ج 2 ص 72، مُسْتَدْرَك الْوَسَائِلِ ج 1 ص 59 چاپ قديم و ج 1 ص 406 چاپ جديد، سَفينَة البِحَار ج 2 ص 508 و جعفريات
(32) - بِحار الاَنْوار ج 73 ص 111 - 112
(33) - مُسْتَدْرَك الْوَسَائِلِ ج 1 ص 407
(34) - حليه المتقين ص 187 و بهترين ارمغان ص 101
(35) - كافي ج 6 / ص 242
(36) - رسائل الشريف المرتضي ج 1 ص 352
(37) - رسائل الشريف المرتض ج ص 353
(38) - تفسير كوثر ج ص 250 - 251
(39) - بِحار الاَنْوار ج 6 ص 306
(40) - بِحار الاَنْوار ج 24 ص 104
(41) - بحار ج 23، ص 385 و ج 41 ص 208
(42) - رسائل الشريف المرتضي ج 1 ص 351
(43) - بِحار الاَنْوار ج 22 ص 452
(44) - كافي ج 8 ص 232، تفسير كوثر ج ص 252 - 250 ذيل آيات 66 - 65 سوره بقره
(45) - بِحار الاَنْوار ج 73 ص 112 ح 11 و اصول كافي ج 2 ص 252 ح 3، الكافي ج 1 ص 346 و كمال الدين و تمام النعمه ج 2 ص 536
(46) - بابي گري و بهايي گري ص 194
(47) - بحار ج 100 ص 256 ح 1
(48) - بهشت جوانان ص 403
(49) - سَفينَة البِحَار ج 2 ص 508
(50) - مُسْتَدْرَك الْوَسَائِلِ ج ص 406، سَفينَة البِحَار ج 2 ص 508
(51) - وَسَائِلِ الشِّيعَة ج 1 ص 420، بحار ج 76 ص 113
(52) - نهج الفصاحه ص 509
(53) - سنن ابي داوود ج 4 ص 44
(54) - كَنْزُ العمّال ج 1 ص 219 ح 1097
(55) - مكارم الاخلاق ص 77 و بهترين ارمغان ص 102
(56) - وسوسه در اسلام ص 182، محمود اردكاني بهبهاني

(57) - بهترين ارمغان ص 102
(58) - بهترين ارمغان ص 102
(59) - همان ص 102
(60) - بِحار الأنْوارج 73 ص 115 ح 16
(61) - بجار الانوار ج 73 ص 116 ح 17
(62) - مكارم الاخلاق ص 67، الحكم الزاهره با ترجمه انصاري ص 711
(63) - بِحار الأنْوار ج 73 ص 88 باب 6، عِلَلُ الشَّرَائِع ج 2 ص 519، مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ج 1 ص 120 و 127 و النوادر راوندي ص 24
(64) - مكارم الاخلاق ص 74، بِحار الأنْوارج 76 ص 112 ح 15 و امالي صدوق ص 183
(65) - خصال شيخ صدوق ج 1 ص 49، تفسير قمي ص 50، تفسير عياشي ج 1 ص 61 مكارم الاخلاق ص 66 و بِحار الأنْوار ج 76 ص 68
(66) - خصال ج 1 ص 49، تفسير قمي ص 50، تفسير عياشي ج 1 ص 61 و بِحار الأنْوار ج 76 ص 68 و مكارم الاخلاق ص 66
(67) - حليه المتقين ص 177
(68) - همان ص 177
(69) - همان ص 176
(70) - ريش تراشي ص 33 - 35 و بهشت جوانان ص 404 به نقل از زبده العلوم ج 2 ص 243
(71) - مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ج 4 ص 150
(72) - ريش تراشي ص 36 و 37 به نقل از وَسَائِلِ الشِّيعَة ج 19 ص 260
(73) - بِحار الأنْوار ج 100 ص 55 ح 29
(74) - اولين دانشگاه و آخرين پيغمبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ج 15 ص 265 و 266
(75) - مجله مبلغان ش 8 ص 120 به نقل از مجاهد شهيد آيت الله بافقي (رحمه الله) ص 83
(76) - چهارده نكته راجع به ريش و ريش تراشي ص 32 و 33
(77) - چهارده نكته راجع به ريش و ريش تراشي ص 32 و 33
(78) - چهارده نكته راجع به ريش و ريش تراشي ص 32 و 33

فهرست منابع و مآخذ

قرآن كريم
بِحار الأنْوار / علامه محمد باقر مجلسي (ره) / انتشارات دارلكتب الاسلاميه / 110 جلدي
وَسَائِلِ الشِّيعَة / شيخ محمد بن الحسن حر العاملي / داراحياء التراث العربي بيروت / چاپ پنجم / 1403 ه. ق / 1983 م.
مُسْتَدْرَك الْوَسَائِلِ / محدث نوري / موسسه آل البيت. چاپ بيروت / 1410 ه. ق.
تفسير كوثر / يعقوب جعفري / انتشارات هجرت / چاپ اول / بهار 1376 ه. ش.
ميزان الحكمه / محمد محمدي ري شهري / انتشارات دارالحديث / چاپ سوم / 1381 ه. ش.
مكارم الاخلاق / شيخ طبرسي / اني نصر الحسن بن فضل / موسسه نشر اسلام ي / چاپ دوم / 1416 ه. ق.
حليه المتقين / علامه محمد باقر مجلسي (ره) / انتشارات نسيم حيات / چاپ اول / 1380 ه. ش.
منتهي الآمال / شيخ عباس قمي / انتشارات هجرت / چاپ يازدهم.
مجمع البيان / ابوعلي فضل بن حسن طبرسي / سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامي / چاپ اول / 1380 ه. ش.
تفسير قمي / علي بن ابراهيم قمي / انتشارات بني الزهرا / چاپ اول / 88 / مترجم جابر رضواني.
تفسير عياشي / ابي نصر محمد بن مسعود بن عياش سمرقندي معروف به عياشي / انتشارات مكتبه العلميه الاسلاميه.
كمال الدين / شيخ صدوق، ابن بابويه، محمد بن علي / انتشارات مسجدمقدس جمكران / چاپ دوم / بهار 1382 ه. ش.
امالي / شيخ صدوق / انتشارات وحدت بخش / چاپ اول / بهار 1384.
خصال / شيخ صدوق / انتشارات دارالكتب الاسلاميه.
اصول كافي / ابي جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق كليني الرازي / چاپ چهارم / 140 ه. ق / انتشارات دارصعب و دارالتعارف بيروت.
توحيد مفضل / علامه مجلسي / انتشارات هجرت / مترجم؛
نجفعلي ميرزايي / چاپ ششم.
بهترين ارمغان / سيد محمد تقي مقدم / انتشارات مقدم / چاپ بيست و سوم / 1377.
مبلغان / مجله معاونت تبليغ و آموزشهاي كاربردي حوزه علميه قم.

14 نكته راجع به ريش و ريش تراشي / رضا مسجدي اصفهاني / انتشارات الحج / چاپ اول / 1379.
اولين دانشگاه و آخرين پيامبر صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم / شهيد پاك نژاد / انتشارات ياسر، انتشارات بنياد فرهنگي / چاپ اول / 1364.
ريش تراشي / اسدالله محمدي نيا.
مبارزه با گناه / سيد محمد رضا هاشم زاده / موسسه انتشاراتي امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام / چاپ اول / 1383.
كامل في التاريخ / ابن اثير / داربيروت 1385 ه. ق.
فرازهايي از تاريخ اسلام / آيت الله العظمي سبحاني / نشر مشعر / چاپ يازدهم زمستان 1387.
عِلَلُ الشَّرَائِع / شيخ صدوق / مترجم؛
محمد جواد ذهني تهراني / انتشارات مؤمنين.
صحيح مسلم / ابي الحسين مسلم نيشابوري / دارالفكرللطباعه و النشر و التوضيح / مصر / 1401 ه. ق.
سَفينَة البِحَار / شيخ عباس قمي / كانون انتشارات عابدي / بي تا.
رسائل الشريف المرتضي / سيد مرتضي.
بابي گري و بهايي گري / محمد محمدي اشتهاردي.
بهشت جوانان / اسدالله محمدي نيا / انتشارات سبط اكبر عَلَيْهِ السَّلَام / چاپ شانزدهم / 382.
نهج الفصاحه / ابوالقاسم پاينده.
سنن ابي داوود / ابي داوود.
كَنْزُ العمّال / علاء الدين متقي هندي / موسسه الرساله / بيروت 1399 ه. ق.
وسوسه و وسواس در اسلام / محمود اردكاني بهبهاني / انتشارات مجمع ذخائر اسلامي / چاپ دوم / 1379 ه. ش.
الحكم الزاهره / علي رضا هابري يزدي / مترجم؛
انصاري / مركز چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامي.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹